

تاریخ و تمدن اسلامی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۸۷، ص ۱۵۷ - ۱۷۶

اقلیت مسلمان رومانی (از استقلال تا امروز)^{۱، ۲}

میهای چرناتسکو

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس

arhivairan@yahoo.com

چکیده

منطقه دابروجا در جنوب شرقی رومانی، از اوایل قرن ۱۵ میلادی تا زمان جنگ استقلال رومانی (۱۸۷۷-۱۸۷۸ میلادی)، بخشی از امپراتوری عثمانی بود و اکثریت جمعیت این منطقه مسلمان بودند. پس از شکست عثمانیها در جنگ ۱۸۷۸ میلادی، این منطقه از امپراتوری عثمانی جدا شد و جزئی از خاک رومانی گردید و از سکنه مسلمان آن، دسته‌ای با ارتش عثمانی به خاک امپراتوری عثمانی مهاجرت کردند و دیگران، به عنوان یک اقلیت دینی و نژادی، به زندگی خود در رومانی تازه استقلال یافته ادامه دادند. این مقاله می‌کوشد تا به جنبه‌هایی از احوال مختلف حیات این اقلیت، از زمان استقلال رومانی تا امروز، بپردازد.

کلیدواژه‌ها: اسلام در رومانی، رومانی، دابروجا، امپراتوری عثمانی، ترکان.

در سده هشتم هجری/چهاردهم میلادی، منطقه بالکان شاهد مهاجرتی گسترده از آناتولی به سوی خود بود که به ترک بخشهایی از این منطقه انجامید. در پی آن، از نیمه اول سده نهم هجری/پانزدهم میلادی، امپراتوری عثمانی نیز توجه فراوانی به منطقه بالکان و تصرف و اداره آن نشان داد و سرانجام بخشهای مهمی از آن را تصرف کرد که منطقه دابروجا^۳ در ساحل غربی دریای سیاه نیز

۱. تاریخ وصول: ۱۳۸۷/۵/۱۶؛ تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۶/۲۸.

۲. ویرایش به اهتمام علیرضا اشتری تفرشی، دانشجوی دکتری تاریخ اسلام در دانشگاه تربیت مدرس.

3. Dabruja.

جزئی از آن بود^۱. با استمرار حضور عثمانیان در این منطقه، دابروجا شاهد شکل‌گیری جمعیتی مسلمان در خود بود که اکثراً ترک نژاد بودند. در اواخر سده‌ی نوزدهم میلادی، در پی ضعف دولت عثمانی و سلسله شکستهای آن در اروپا و عقب‌نشینی از بالکان، کشور رومانی در ساحل غربی دریای سیاه به استقلال رسید و منطقه دابروجا با اقلیت مسلمان خود جزئی از این کشور گشت.



<http://en.wikipedia.org/wiki/Romania>

یکی از اولین اقدامات دولت تازه استقلال‌یافته رومانی در اواخر سده‌ی نوزدهم میلادی، تقسیم ایالت دابروجا به دو استان کوچک‌تر تولچا در شمال و کنستانزا در جنوب بود. در دهم نوامبر ۱۸۷۸، برای هریک از این دو استان، یک استاندار تعیین شد. ظاهراً مسلمانان دابروجا در آن ایام به داشتن روابط خوب با دولت رومانی و رفتار عادلانه آن دولت در قبال خویش امیدوار بوده‌اند؛ در ماه اکتبر همان سال، نماینده‌ای از جانب مسلمانان دابروجا که در آن زمان بیمناک از خطر نفوذ و تسلط ارتش

1. Inalcik, "Balkan", *ET*.
2. EKREM, 84.

روسیه بر دابروجا بودند و شمار زیادی از آنان به تازگی فرار از مقابل ارتش روس را تجربه کرده بودند، به بخارست رفت تا از دولت رومانی بخواهد هرچه زودتر در منطقه دابروجا حضور پیدا کند.^۱ اعتماد به دولت تازه تأسیس رومانی، ظاهراً به مسلمانان باقی مانده در دابروجا ختم نمی‌شد؛ شماری از مسلمانان دابروجا نیز که در ایام درگیری مجبور به ترک این منطقه شده بودند، پس از تأسیس دولت رومانی به مناطق سکونت خود در دابروجا بازگشتند و به رغم روبرو شدن با مسأله اشغال خانه‌هایشان توسط بلغارها در زمان غیبت آنان، با رأی شورای مرکزی حکومت رومانی مبنی بر این‌که با اثبات سابقه مالکیت، منازل مذکور به صاحبان مسلمان بازگردانده شود و بلغارها از آنها اخراج گردند، توانستند دیگر بار منازل خویش را به دست آورند.^۲ توجه به مسأله ایجاد و حفظ روحیه وحدت ملی و حس ملی‌گرایی در میان تمامی اقلیتهای رومانی، در آن ایام از سیاستهای مهم دولت رومانی بود؛ از همین رو، دولت مرکزی در تدوین قوانین جدید خود به رضایت خاطر و حفظ حقوق مسلمانان دابروجا توجه کرد و اقلیت مسلمان توانستند از نمایندگان مخصوص برخوردار گردند و نیز بتوانند از دادگاه‌های خاص خود که در آنها قضات مسلمان به قضاوت می‌پرداختند و قوانین منطبق با شریعت اسلامی، به ویژه در مواردی چون طلاق و حق وراثت، به اجرا در می‌آمد، برخوردار شوند.^۳ علاوه بر این، در قوانین مربوط به سربازگیری، در ۱۸۸۰ میلادی، مقرر شد تا سربازان مسلمان از کلاه‌های مخصوص خود و غذاهای منطبق با ذبح و شریعت اسلامی استفاده کنند.^۴ این تدابیر باعث شد تا به رغم وجود سابقه دشمنی میان اقلیتهای دینی در رومانی، روابط دولت مسیحی رومانی با مسلمانان دابروجا در دوران اولیه تأسیس این دولت به نحوی مطلوب پی‌ریزی شود، چنانکه پیتارد، مورخ فرانسوی، در این باره می‌نویسد: «دولت رومانی برای دابروجا خوب بود. هیچکدام از گروه‌های اقلیت شکایتی از دولت رومانی نداشتند».^۵ قوانین رومانی به دقت به مسأله ایجاد روحیه وحدت ملی توجه داشت؛ بر اساس این قوانین، مسلمانان دابروجا که تا پیش از جنگ استقلال رومانی، شهروند عثمانی محسوب می‌شدند، اکنون

1. CEACHIR, 113.

2. *Arhiva București*, Fond Ministerul de Interne, Dosar 265, An 1878, Nr. Interior, 317.]

۳ در سال ۱۸۸۰ میلادی به قانون اساسی کشور رومانی اضافه شده است.

4. NAZARETTEAN, 41.

5. PITTARD, 219.

می‌توانستند در صورت تمایل و به راحتی شهروند رومانی شوند. حتی آنان که طی جنگ به عثمانی گریخته بودند، فرصت داشتند تا ظرف سه سال به دابروجا بازگردند و از حق شهروندی خود به عنوان یک رومانیایی برخوردار شوند.^۱ از دیگر امتیازات قوانین سال ۱۸۸۰ میلادی برای اقلیت مسلمان دابروجا می‌توان به این موارد نیز اشاره کرد: در نظر گرفتن حقوق و مستمری از طرف دولت مرکزی در ازای خدمت، برای تمامی کسانی که به نوعی در مساجد اصلی شهرهای تولچا، کنسترازا، باباداگ، ماچین، مجدیه/مجیدیا/مدجیدیا، هیرشوا، ایساکچا، سولنیا و مانگالیا مشغول به کار بودند و جزء خدمه مسجدهای بزرگ این شهرها محسوب می‌شدند؛^۲ حق تدریس به زبان ترکی در مدارس خود^۳ در کنار تدریس اجباری زبان رومانیایی که بدین ترتیب مدارس مسلمانان را دو زبانه می‌ساخت؛^۴ تأسیس حوزه علمیه شهر باباداگ که روحانیون و استادان مسلمان به دو زبان ترکی و رومانیایی در آن تدریس می‌کردند و پرداخت تمامی هزینه‌های اداره آن مرکز از سوی دولت رومانی؛^۵ در نظر گرفتن قوانین و حقوقی مساوی برای اقلیت مسلمان که موجبات پیشرفت جوانان مسلمان و حتی ورود و ترقی ایشان در ارتش رومانی را فراهم می‌کرد.^۶

هنگامی که استان دابروجا تحت حکومت رومانی قرار داشت، نظام ارضی این منطقه هنوز با روش سنتی فئودالی اداره می‌شد، به این ترتیب که فئودالی بزرگ بر چندین زمین کوچک و بزرگ حکمرانی می‌کرد و کشاورزان برای او در این زمین‌ها کار می‌کردند. با قوانین جدید دولت مرکزی رومانی این روابط در دابروجا تا حدودی تغییر یافت؛ زمین‌های خصوصی همچنان در اختیار صاحبان خود باقی ماند، اما تمام ساختمان‌ها و زمین‌هایی که تا آن زمان از آن دولت عثمانی بود، به همراه زمینهای زیادی که طی جنگ از سوی صاحبانشان ترک شده بود، همگی در مالکیت دولت

۱. قسمت ۷۳ در قانون اداره دابروجا در سال ۱۸۸۰م.

۲. قسمت ۷۳ در قانون اداره دابروجا در سال ۱۸۸۰م.

3. HELGIU, 2.

4. HELGIU, 64.

5. HELGIU, 64.

6. Idem, 66.

رومانی قرار گرفت^۱. در این میان، زمین‌های اوقاف، مساجد، کلیساها و مدارس که در زمان سلطه عثمانیها در اختیار حکومت عثمانی بود، اینک از سوی دولت رومانی به خود مساجد، کلیساها و اوقاف واگذار شد^۲. همچنین دولت رومانی برای ایجاد یک طبقه متوسط، زمین‌های بدون صاحب در منطقه دابروجا را بی‌هیچ تبعیضی از نظر دینی و قومی، به خانواده‌هایی که منبع مالی مشخصی نداشتند، به صورت قسطی واگذار کرد^۳. این سیاست که به معنی تغییر نظام فئودالی بود، توانست در بهبود وضعیت کشاورزی منطقه نقشی مهم ایفا کند.

ظاهراً در آن ایام، دولت رومانی به هیچ عنوان تمایل نداشت جمعیت مسلمان دابروجا این منطقه را ترک کنند و این منطقه خالی از جمعیت شود و این یکی از دلایل مهم در تلاش دولت رومانی برای جلب رضایت مسلمانان دابروجا بود و امتیازات ویژه‌ای را برای آنان فراهم آورد؛ از آن جمله در شبه جزیره بالکان، رومانی تنها کشوری بود که در منطقه مسلمان‌نشین آن، ماهنامه‌ای به زبان ترکی و با نام



"ترک بیرلیگی" به معنی "اتحاد ترکی" منتشر می‌شد^۴. روزنامه "ایکدم" نیز در یکی از شماره‌های خود در ۱۹۰۹ میلادی، به آزادی مسلمانان در رومانی و این امر که دولت رومانی، مرتکبان به

۱. در سال ۱۸۸۸ میلادی به قانون اساسی کشور رومانی اضافه شده است.

2. MEHEDIŢI, 11.

3. Idem, 12.

4. EKREM, 136.

رفتارهای نادرست در قبال مسلمانان و کسانی را که به آتش اختلافات مذهبی دامن زند از این کشور اخراج خواهد کرد، اشاره می‌کند.^۱ هایوس^۲، نماینده اتریش در بخارست، نیز در گزارشی به تاریخ ۲۴ مارس ۱۸۸۰ میلادی، اعلام می‌دارد که اقلیت مسلمان رومانی به دلیل رعایت حقوقشان، از دولت رومانی راضی هستند.^۳

به هر حال، به این نکته باید اذعان کرد که به رغم توجهات دولت رومانی، عده‌ای از مسلمانان دابروجا، به دلایل مختلف تصمیم گرفتند تا چندی پس از استقلال رومانی، دابروجا را ترک کنند؛ نخستین دسته، شماری از مسلمانان ترک‌نژاد و عمدتاً صاحبان گله‌های بزرگ گوسفند و اسب بودند که در نظام جدید زمینداری که مبتنی بر زمینهای کوچک شخصی بود، دیگر جایی برای چرای دامهایشان نداشتند و ترجیح دادند تا به خاک عثمانی مهاجرت کنند.^۴ دسته دیگر، افرادی بودند که در اثر فشار ناشی از فساد اداری، ثروت‌اندوزی، رشوه‌خواری و رفتار بد مأمورانی که از سوی دولت مرکزی رومانی

به دابروجا اعزام می‌شدند، دابروجا را ترک کردند. این موضوع را نباید مرتبط با مسأله مذهب دانست، زیرا مسیحیان دابروجا نیز از این فشار در امان نبودند و عده‌ای از آنان نیز به همین خاطر، مجبور شدند تا به عثمانی مهاجرت کنند.^۵ به هر حال، باید گفت که به رغم این مهاجرتها، مسلمانانی که تصمیم به مهاجرت از دابروجا گرفتند، در مقایسه با مسلمانانی که ترجیح دادند در آنجا بمانند، در اقلیت بودند.



مسجد بزرگ شهر کنستانتزا پس سالهای 1910-1912م توسط بنای رومانی کارول اول ساخته شد. در همین مکان یک مسجد قدیمی بود که در اواسط قرن 18 میلادی سلطان عثمانی محمود اول ساخته شد.

1. Arhiva Ministerului Afacerilor Externe, Fond Turcia, Volum 55, p. 248.
2. Hayos.
3. Arhivele Naționale, București, Fond Familia Regală, Dosar 25, An1880.
4. EKREM, 138.
5. Arhivele Dobrogei, Vol. 1, Editura Culturală, București, 1921, p. 97.

اگر چه مسلمانانی که در دابروجا ماندند، هیچ‌گاه نژاد ترک خود را فراموش نکردند، اما رومانی را وطن اول خود می‌دانستند و به عثمانی تنها به شکل دولت برادر و هم نژاد خود می‌نگریستند.^۱ البته در مقابل، دولت عثمانی نیز تلاش کرد تا به احوال اقلیت مسلمانان رومانی بذل توجه کند؛ چنانکه در آوریل ۱۸۹۷ میلادی، نماینده رومانی در استامبول، تراندافیر جووآرا^۲، به همراه وزیر دادگستری رومانی، در دیدار با سلطان عثمانی، خواهان بازگشت رومانیایی‌های پیرو کلیسای یونانی به کلیسای رومانیایی شدند و در ازای این خواهش متعهد گشتند تا در بخارست مسجدی بسازند که امروزه نیز برپاست و همچنین قول مساعد دادند تا در راه بهتر شدن وضعیت مسلمانان رومانی بکوشند.^۳

از نظر اقتصادی، جمعیت مسلمان دابروجا جزء طبقه متوسط محسوب می‌شدند. برخی از ایشان که پس از بازگشت به دابروجا دیگر نتوانسته بودند مالکیت خود بر املاک پیشینشان را ثابت کنند و یا آن دسته از ایشان که زمین‌ها و خانه‌هایشان را قبل از مهاجرت به عثمانی فروخته بودند، اما به هر دلیلی، موفق به مهاجرت نشده بودند، از آن پس بدون زمین ماندند؛^۴ نسل بعدی این افراد، به دلیل نداشتن زمین برای پرداختن به کشاورزی به شهرها مهاجرت کردند و به کارگری در کارخانه‌های شهرهای بزرگ پرداختند و یا در مشاغل آزاد مشغول به کار گشتند.

آمارها جمعیت مسلمان دابروجا بعد از جنگ استقلال ۱۸۷۸ میلادی را نسبتاً چشمگیر نشان می‌دهد؛ لارنز دیفنیک^۵ می‌گوید که در دهه‌ی پایانی سده‌ی نوزدهم میلادی، در دابروجای شمالی ۵۶ هزار مسلمان و ۵۵ هزار مسیحی ساکن بودند.^۶ در ابتدای قرن بیستم، ۱۲۰ هزار مسیحی و ۴۱ هزار مسلمان در دابروجا ساکن بودند.^۷ آمارهای دولتی در ۱۹۱۳ میلادی می‌گوید که مسلمانان دابروجا در آن زمان، حدود ۴۲ هزار نفر بوده‌اند.^۸ بعد از جنگ دوم بالکان در ۱۹۱۳ میلادی و پیروزی ارتش رومانی، دو ایالت کوچک مسلمان‌نشین در جنوب دابروجا به رومانی تعلق گرفت و تا

1. GIURESCU, 209

2. Trandafir Djuvara.

3. Arhiya Ministerului Afacerilor Externe, Fond 21, Volum 35.

4. EKREM, 86.

5. Lorenz Diefenbach.

6. EKREM, MENLIBAY, **Originea tătarilor**, Ed. Kriterion, București, 1997, p. 315.

۷. این آمار از بایگانی سازمان آمارگیری کشور رومانی گرفته شده است.

۸. این آمار از بایگانی سازمان آمارگیری کشور رومانی گرفته شده است.

۱۹۴۰ میلادی این ایالت‌ها زیر حکومت رومانی بودند؛ طبق آمار ملی رومانی در ۱۹۳۰ میلادی، در دابروچای قدیم و دو ایالت تازه الحاق یافته، جمعاً ۱۷۶ هزار مسلمان سکونت داشتند.^۱ آمارگیری ملی ۱۹۷۷ میلادی، جمعیت مسلمان رومانی را حدود ۴۶ هزار و پانصد نفر و آمارگیری ۱۹۹۲ میلادی، این جمعیت را تقریباً ۵۵ هزار نفر نشان می‌دهد.^۲

چنانکه پیشتر نیز اشاره شد، از آنجا که اکثریت جمعیت مسلمان رومانی ترک‌نژاد بودند و زبان ترکی، زبان ایشان محسوب می‌شد، در قانون اساسی رومانی، حق آموزش زبان ترکی در کنار زبان رومانیایی برای این اقلیت در نظر گرفته شد. همچنین در تغییرات قانون اساسی رومانی از ۱۸۸۰ میلادی به بعد، همواره آزادی زبان و آزادی دین مدنظر قرار گرفت و در نتیجه، اقلیت مسلمان از ۱۹۱۹ میلادی توانستند در مجلس رومانی دارای نماینده‌ی خاص خود باشند؛ مصطفی محمد فهیم، اولین نماینده ایشان در مجلس، در ۱۹۱۹ میلادی، در نطق پیش از دستور مجلس سخنرانی کرد و گفت: "خوشحال هستیم که برای اولین بار چهارتن از نمایندگان مسلمان در مجلس ملی رومانی حضور یافته‌اند. به تمامی جمعیت مسلمان دابروچا قول می‌دهیم که به آنان وفادار بمانیم و برای رومانی مفید واقع شویم، چون رومانی کشور عزیز همه ما است."^۳

مساجد باقی مانده از عهد عثمانی در رومانی، پس از استقلال این کشور همچنان پابرجای ماندند و علاوه بر آن، مسلمانان از حق ساختن مسجد برای خود برخوردار شدند و دولت رومانی نیز مساجدی برای آنها برپا داشت. هزینه تعمیر مساجد نیز از آن زمان تاکنون برعهده دولت رومانی بوده است. همچنین در قانون زمین، مصوب ۱۹۲۱ میلادی، به هر مسجد ۱۰ هکتار زمین واگذار شد.^۴

چنانکه پیشتر اشاره کردیم، پس از استقلال رومانی، دولت به منظور کسب رضایت خاطر اقلیت مسلمان این کشور، فعالیت دادگاه‌های اسلامی ویژه مسلمانان را که به شکل سنتی و مطابق با شریعت اسلامی اداره می‌شد، جایز دانست؛ اما چندی بعد، مسلمانان رومانی خود خواهان تغییر نظام

1. OPRIȘAN, IOAN, "Valoarea culturii turcilor din România", în revista lunară **Karadeniz**, nr. 3, Constanța, 1990, citat de IBRAM, NUREDIN, op. cit., p. 98

۲. این آمار از بایگانی سازمان آمارگیری کشور رومانی گرفته شده است.

3. EKREM, MEHMET ALI, **Din istoria turcilor dobrogeni**, op. cit., p. 119.

۴. در قانون زمین ۱۹۲۱ میلادی ذکر شده است.

قضایی سنتی این دادگاه‌ها و حذف آنها شدند و علی محمد، نماینده مسلمانان در مجلس ملی رومانی، در ۱۹۲۸ میلادی شیوه عمل این دادگاه‌ها را قرون وسطایی خواند^۱؛ از این رو، این دادگاه‌ها در ۱۹۳۰ میلادی توسط دولت رومانی برچیده شد^۲.

در فاصله جنگ‌های جهانی اول و دوم، به ویژه پس از جنگ ۱۹۲۲ میلادی که در آن ترکیه در برابر یونان به پیروزی رسید، با تشویق دولت ترکیه موجی تازه از مهاجرت مسلمانان رومانی به ترکیه آغاز شد که البته این بار نیز تعداد آنها زیاد نبود؛ دولت رومانی نیز مانع این مهاجرت نشد. روزنامه ترکی جمهوریّت درباره این عده از مهاجران که از رومانی می‌آمدند، می‌نویسد: "این مهاجران وضعیت خوبی دارند، چون توانسته‌اند زمین و خانه خود را در رومانی بفروشند و آدمهایی هستند که اهل کارند و می‌خواهند زندگی جدیدی برای خود بسازند"^۳.

تصویر جامعه مسلمانان دابروجا در ادبیات رومانی

طی قرن‌ها همزیستی مسلمانان با مسیحیان منطقه، آشکار گشت که با همکاری می‌توان زندگی بهتری داشت و با احترام به ارزشهای یکدیگر می‌توان مشکلات را بهتر حل کرد. مشکلات و فشارهای خارجی نیز این دو جمعیت را به یکدیگر نزدیک‌تر ساخت و باعث شد تا یکدیگر را بهتر بپذیرند. این همزیستی خردمندانه به خوبی در برخی از آثار ادبی معاصر رومانی جلوه‌گر شده است.

دومیترسکو فراسین، نویسنده و معلمی مسیحی از دابروجا بود که به تعلیم در روستایی مسلمان و مسیحی‌نشین می‌پرداخت. وی در ۱۹۲۹ میلادی، ضمن اشاره به همزیستی مسالمت‌آمیز مسیحیان و مسلمانان دابروجا، می‌نویسد: "جالب این است که رومانی‌های قدیم، پذیرای رومانی‌هایی که با عوض شدن دولت دابروجا به آن منطقه مهاجرت کرده‌اند، نیستند، اما درباره جمعیت مسلمان نظر خوب و مساعدی دارند. شاید یکی از دلایل این نظر مساعد این باشد که مسلمانان منطقه مثل خودشان از قدیم آنجا زندگی می‌کردند"^۴. وی در ادامه به خاطر دلنشین

1. Arhivele Naționale, București, Fond Statul, Dosar, 34, An 1928, p. 33.

۲. در قانون خانواده ۱۹۳۰ میلادی ذکر شده است.

3. Revista Jumhuriyet, 17 aprilie 1934, citat de EKREM, MEHMET ALI, *Din istoria turcilor dobrogeni*, op. cit., p. 131.

4. Arhivele Dobrogei, Volum 2, Editura Cultura Națională, București, 1928, p. 333.

قرآن خواندن مسلمانان روستا برای شفای او بر سر بالینش به هنگام بیماری، اشاره می‌کند.^۱ زاهاریا استانکو، نویسنده مشهور رومانیایی، در یکی از رمانهای خود با نام "پا برهنه‌ها" که توسط احمد شاملو به فارسی ترجمه شده است، از دنیای مسلمانان دابروجا تصویری زیبا به دست می‌دهد و در اثر دیگرش یعنی "جنگل انبوه"، منطقه دابروجا و جمعیت مسلمان، لباس، غذا و سبک زندگی ایشان را به خوبی توصیف می‌کند.^۲

میهایل سادوونو، دیگر نویسنده معروف رومانی نیز، توصیفی زیبا درباره مسلمانان دابروجا ارائه می‌دهد و مسلمانان دابروجا را از مسیحیان آنجا از بسیاری جهات با فرهنگ‌تر و انسانهایی پر تلاش و مبتکر برمی‌شمرد و می‌ستاید.^۳ در اشعار عامیانه رومانی نیز معمولاً نگاه مثبتی نسبت به مسلمانان این کشور وجود دارد و آنان با عنوان "رومانیایی‌های خودمان" نامیده می‌شوند و به فرهنگ، لباس و دین آنها با احترام می‌نگرند.

مدارس اقلیت مسلمان در رومانی

اقلیت مسلمان رومانی از نوعی نظام آموزشی و مدارس خاص خویش برخوردار بودند که در اصل نمونه‌هایی از نظام آموزشی سنتی تمدن اسلامی در دوره میانی خویش بود که بعدها با گسترش امپراتوری عثمانی از آناتولی به خاک اروپا راه یافته بود و پس از الحاق دابروجا به رومانی و جدایی آن از عثمانی، در این کشور، به حیات خود ادامه داد. زبان تدریس در این مدارس ترکی بود و تدریس در آنها شامل دو مرحله بود: مکتب الصبیان (برای آموزش ابتدایی)، رُشدیه (برای آموزش پیشرفته یا مطابق دبیرستان)؛ نوع دیگری از مراکز آموزشی نیز وجود داشت که عنوان "مدرسه" بر آنها اطلاق می‌شد و مختص تعالیم مذهبی بود (مانند مدرسه در دوره میانی تمدن اسلامی).

تدریس اولیه از سن ۶ سالگی برای تمامی کودکان اجباری بود و تمامی هزینه آن از طرف دولت پرداخت می‌شد. معمولاً این مدارس در مساجد و یا در کنار آنها قرار داشتند و معمولاً معلم آنها، روحانی مسجد بود و او از دولت نه به عنوان روحانی مسجد، بلکه به عنوان معلم مدرسه حقوق می‌گرفت، هرچند جمعیت مسلمان نیز به او حقوقی به عنوان روحانی مسجد می‌دادند و او خود

1. *Arhivele Dobrogei*, Volum 1, Editura Culturală, București, 1928, p. 172.

2. STANCU, ZAHARIA, *Pădurea nebună*, Ed. Tineretului, București, 1966, p. 129.

3. SADOVEANU, MIHAI, *Pădurea lupilor*, Ed. Meridiane, București, 1974, p. 135.

معمولاً قطعه زمینی هم داشت و در آن به کشاورزی می‌پرداخت. کودکان بعد از نوشتن و خواندن، قرآن می‌آموختند که احتمالاً مبتنی بر شیوه‌های سنتی مثل "تلقین" و "تحفیظ" بوده است. در مرحله بعد یعنی در دبیرستان یا رشديه که تنها در شهرهای کنستانتزا، مجدیه/مدجیدیا و تولچا وجود داشت، افراد دوره‌ای شامل ۳ سال آموزش را می‌گذراندند.^۱ این مرحله که معلمان آن از دولت حقوق می‌گرفتند، اجباری نبود. درس اصلی در این مرحله نیز قرآن بود و بعد از آن زبان‌های عربی و فارسی، اخلاقیات، تاریخ امپراتوری عثمانی و تاریخ اسلام و نیز دروسی از قبیل ریاضی، موسیقی، نقاشی، جغرافیا، ورزش و هندسه با روشهای آموزشی مدرن تدریس می‌شد.^۲ مدارس رشديه در دابروجا تا جنگ جهانی اول برپا بود، اما از آن پس، جای آنها را مدارس راهنمایی گرفت که ۳ تا ۷ سال طول می‌کشید. برخی از روشنفکران ترکیه که عضو حزب "ترک‌های جوان" بودند و در دوره سلطان عبدالحمید دوم از استانبول فرار کرده و به دابروجا آمده بودند، در این مدارس راهنمایی به تدریس می‌پرداختند که به واسطه ایشان اندیشه حزب ترک‌های جوان به دابروجا نیز رسید.

مدارس مذهبی مسلمانان دابروجا نیز مورد حمایت دولت رومانی بود و تمامی هزینه‌های آنها از سوی دولت رومانی تأمین می‌شد؛ در ۱۸۹۱ میلادی، به فرمان دولت رومانی مدرسه شهر باباداگ گسترش یافت و در ۱۹۰۱ میلادی، این مدرسه که عالی‌ترین جایگاه آموزش زبان ترکی در دابروجا نیز به شمار می‌آمد، از باباداگ به مجدیه منتقل شد. در ۱۹۰۴ میلادی، این مدرسه با همکاری وزارت علوم رومانی و روشنفکران جامعه مسلمان، مقررات جدیدی برای ادامه کار وضع کرد، تا فارغ‌التحصیلان پس از ۸ سال تحصیل در این مدرسه و کسب موفقیت در مصاحبه‌ای که هیأتی ویژه از آنان به عمل می‌آورد، بتوانند به عنوان روحانی مساجد و مرتبی زبان ترکی به خدمت جامعه درآیند. مواد آموزشی مصوب این مدرسه بدین شرح بود: زبان رومانیایی، تاریخ رومانی، تاریخ جهان، جغرافیا، علوم طبیعی، علوم فیزیک و شیمی، ریاضی، حقوق اداری و حقوق مدنی، بهداشت، پزشکی عمومی، علوم گیاهی و کشاورزی و موسیقی (همگی به زبان رومانیایی)؛ و قرآن، تفسیر قرآن، زبان و

1. HELGIU, V., *Școala română dobrogeană de la înființare până la 1938*, op. cit., p. 68.
2. *Arhivele Naționale*, Constanța, Fond Școlile Primare Musulmane, Nr. 18, 1960, Nr. Dosar 1-3.

ادبیات ترکی عثمانی، تاریخ، زبان عربی، موسیقی مذهبی (به زبان ترکی یا عربی)^۱. توجه به آموزش اقلیت مسلمان از سوی دولت رومانی با هدف ارتقاء فرهنگی و علمی این اقلیت در کنار سایر اقشار جامعه این کشور صورت می‌گرفت. این پیشرفت به زودی و با تغییرات آتاتورک در ترکیه و تأثیری که جامعه مسلمانان رومانی از آن کشور می‌پذیرفت، شتاب بیشتری گرفت؛ از جمله این تغییرات، تغییر حروف عربی به حروف لاتین، و اختصاص الفبای عربی تنها به درس‌های اسلامی، یعنی آنچه مستقیماً به قرآن ربط پیدا می‌کرد؛ این تغییرات به پیروی از ترکیه، بعد از ۱۹۳۰ میلادی، در دابروجا نیز اتفاق افتاد^۲ و موجب شد تا مبادلات علمی دابروجا با رومانی و اروپا خیلی آسان‌تر از قبل انجام گیرد.

در ۱۹۲۸ میلادی، در مدرسه مذهبی جدید، ۱۳۶ دانشجو به تحصیل مشغول بودند و تعداد ۱۲ استاد و ۱۵ استادیار به آنان درس می‌دادند. تا سالها این تعداد تقریباً بدون تغییر باقی ماند. در کنار این مدارس، مؤسسات فرهنگی مسلمانان نیز بودند که به دانشجویان بورسیه تحصیلی اعطا می‌کردند و به آنان و کسانی که علاقمند به خواندن علوم قرآنی بودند، کمک می‌کردند. یکی از چهره‌های فعال در ایجاد این نوع مؤسسات، محمد نیازی بود. وی در ۱۹۰۹ میلادی، موسسه‌ای برای تدریس در دابروجا بنا کرد. در این موسسه که مرکز آن در شهر کنستانزا بود و شعبه‌ای نیز در مجدیه/مدجیدیا و هیرشواوا داشت، بیش از ۲۵۰ عضو به فعالیت‌هایی مثل چاپ روزنامه و کتاب، برگزاری سخنرانی درباره اقلیت مسلمان و کمک آموزشی به کودکان فقیر در روستاها می‌پرداختند.

شاعران و فرهیختگان مسلمان در رومانی

اکثریت مسلمانان رومانی ترک‌نژاداند و زبان ترکی و دین اسلام دو عامل مهمی است که تا امروز نیز این اقلیت را از حل شدن در میان مردم رومانی بازداشته است. از همین‌رو، توجه به زبان و ادبیات ترکی در کنار دین اسلام در بررسی روند حیات اقلیت مسلمان رومانی لازم است. شاعران ترک در این میان جایگاهی ویژه دارند؛ چنانکه پیشتر به نقش محمد نیازی، نه در عرصه ادب، بلکه به عنوان یک فعال فرهنگی اشاره کردیم، اما توجه به احوال ادبی وی و دیگر شاعران و ادیبان ترک نیز ضروری است.

1. Arhivele Dobrogei, Volum 1, Editura Cultura Națională, București, 1928, p. 182, 183.

2. HELGIU, V., Școala română dobrogeană de la înființare până la 1938, op. cit., p. 73.

محمد نیازی، مشهورترین شاعر مسلمان رومانی، در ۱۸۷۸ میلادی متولد شد. او در میان مردم مسلمان منطقه نمونه‌ای از یک فرد موفق بود که توانست خود را به تمامی جامعه رومانی بشناساند. پاره‌ای از اشعار وی در میان مردم تبدیل به ضرب‌المثل شد. او در اشعار خود سعی می‌کرد تا از اندیشه پیشرفت و تلاش برای موفقیت در زندگی برای مسلمانان رومانی سخن گوید.

نماینده‌ای دیگر از ادبیات جامعه مسلمان رومانی، یوسف عیسی حلیم است که در ۱۸۹۴ میلادی متولد شد. وی اولین فرهنگنامه ترکی- رومانیایی را تألیف کرد. او بیشتر اشعاری عاشقانه می‌سرود، اما در همان اشعار عاشقانه نیز احساس خویش نسبت به وطنش، رومانی، را به نیکی بیان می‌کرد. در اینجا می‌توان به نمونه‌ای از اشعار وی توجه کرد:

"کار کنیم"

"برادرها! وقت بیدار شدن است/ برای ملت تلاش کنیم/ برای شکوه نام ملتمان/ تا آنکه دیگران در ما به چشم حقارت ننگرند/ و سخن ناروا درباره ما نگویند/ بکوشیم برای شکوفایی تجارت خویش/ تا کشورمان ثروتمند باشد/ برای ملتمان کار کنیم/ و دابروجا را تغییر دهیم/ و هم تمام کشورمان را/ تا به آشیانه‌ای پر از شکوفه و روشنایی برسیم". (۱۹۱۵ میلادی)

اسماعیل ضیاءالدین نیز چهره‌ای برجسته در ادبیات مسلمانان رومانی است. او به سرودن شعر و نوشتن داستان و نمایشنامه می‌پرداخت و برخی اشعار رومانیایی را نیز به ترکی برگردانده است. علاوه بر اینها، باید افزود که فعالیت‌های انتشاراتی اقلیت مسلمان از قبیل چاپ روزنامه و مجله در دابروجا از اواخر قرن نوزدهم شروع شد. روزنامه‌های ایشان که وسیله‌ای برای اثبات وجود و هویت خود بود، به زبان ترکی منتشر می‌شدند، اما معمولاً بخشی نیز به زبان رومانیایی در کنار بخش ترکی چاپ می‌شد، مانند روزنامه دابروجا که انتشار آن از ۱۸۸۸ میلادی به هزینه دولت آغاز شد و صفحه‌ای نیز به زبان رومانیایی داشت.

مسلمانان رومانی همچنین توانستند با مساعدت‌های دولت این کشور به جایگاه‌های علمی شایسته‌ای در این کشور و حتی در جهان دست یابند.^۱

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره اقلیت مسلمان رومانی در زمینه علمی به کتاب EKREM, MEHMET ALI, *Din istoria turcilor dobrogeni*, مراجعه فرمایید.

مسلمانان در رومانی کمونیست (۱۹۸۹-۱۹۴۷ میلادی)

بعد از جنگ جهانی دوم، رومانی تحت سلطه اتحاد جماهیر شوروی درآمد و چنان که از یک دولت کمونیست انتظار می‌رفت، فشار زیادی بر دولت رومانی وارد ساخت تا به کمونیسم پیوست. از ۱۹۵۰ میلادی، رومانی کاملاً زیر سلطه شوروی اداره می‌شد. دولت‌های کمونیست هنگام به دست گرفتن قدرت در هر کشوری می‌کوشیدند تا تمامی اقلیت‌ها را حذف کنند و جامعه‌ای یکدست بسازند و هرگونه ظواهر فرهنگی و عقیدتی را از میان بردارند. در زمان حکومت کمونیستی در رومانی، اقلیت مسلمان این کشور به عنوان یک اقلیت نژادی و فرهنگی و نیز به عنوان پیروان یک دین، به ویژه یک دین توحیدی، در کنار پیروان سایر ادیان، همچون مسیحیان رومانی که خود اکثریت این جامعه را تشکیل می‌دادند و یا یهودیان، مورد طرد و فشار قرار گرفتند. جامعه مسلمانان رومانی در کنار کلیسای ارتدوکس، روشنفکران غیر کمونیست رومانی و هر فرد مخالف با حکومت کمونیستی مورد تعقیب سخت این حکومت بودند.

دولت کمونیست رومانی نسبت به دین اسلام بسیار حساس بود و به هر ترتیب سعی می‌کرد تا این دین را در رومانی از میان بردارد. مؤسسات اسلامی برچیده شدند و هزینه‌هایی که دولت برای اداره قبرستانها و مساجد مسلمانان پرداخت می‌کرد، قطع شد و تمام روزنامه‌هایی که به زبان ترکی منتشر می‌شدند و درباره اسلام می‌نوشتند، تعطیل شدند و از اواخر دهه ۵۰ میلادی، تدریس زبان‌های غیر رومانیایی در مدارس متوقف شد.^۱ قوانین اسلامی نیز به طور کامل حذف شدند و قانون شریعت دیگر در دادگاه‌ها رعایت نمی‌شد. با وجود این، مسلمانان در حفظ دین خود پایداری کردند و سختگیری‌ها، ایشان را نسبت به باورهای خود آگاه‌تر و مصمم‌تر ساخت؛ اما اسلام به ناچار از خیابانها و اماکن عمومی به محافل خصوصی و خانه‌های شخصی منتقل شد. مسلمانان سعی می‌کردند مناسک و عبادات خود را درون خانه‌ها و به دور از چشم پلیس و دیگران برگزار کنند.

مدرسه دینی مجدیه در ۱۹۶۵ میلادی توسط دولت کمونیست تعطیل شد و از آن پس، اقلیت مسلمان بدون روحانی، معلم و تدریس ماند، زیرا دیگر نمی‌توانست نسل جدیدی از دانشجویان علوم دینی را تربیت کند. با این همه، هنوز در برخی جنبه‌ها، اوضاع مسلمانان رومانی بهتر از اوضاع

1. BANU, CEZAR-AUREL, op. cit., p. 57 .

مسلمانان در کشورهای همسایه مانند بلغارستان بود؛ چنانکه مسلمانان بلغارستان به دلیل ممنوع بودن ختنه کودکان در بلغارستان، برای ختنه پسران خود به رومانی می‌آمدند.^۱ پس از انقلاب ۱۹۸۹ میلادی بر ضد دیکتاتوری چائوشسکو، دورانی جدید در رومانی آغاز شد. دولت جدید، حق اقلیت مسلمان و دیگر اقلیت‌ها را محترم دانست؛ تدریس به زبان ترکی در کنار زبان رومانیایی برای مسلمانان از سر گرفته شد و مدرسه دینی مجدیه در ۱۹۹۳ میلادی بازگشایی گردید.^۲

مسلمانان غیر ترک نژاد رومانی

اکثریت مسلمانان رومانی ترک نژاداند؛ اما به غیر از آنان، شمار کمی مسلمان از نژادهای دیگر نیز در رومانی زندگی می‌کنند که اکثرشان حنفی مذهب‌اند. کوچاندن مسلمانان از اقوام مختلف مثل فارس و گُرد و عرب، به مناطق مختلف امپراتوری خود، جزئی از سیاستهای عثمانی‌ها بود که در مورد دابروجا نیز به اجرا در می‌آمد؛ چنانکه در فاصله ۱۸۳۱-۱۸۳۳ میلادی، ۱۵۰ خانوادگی "فلاح" سوری در دابروجا سکونت داده شدند.^۳ اما شمار کم این مهاجران باعث شد تا ایشان به مرور در مسلمانان ترک دابروجا حل شوند و طی سالها به تدریج ترک‌زبان گردند.

گروه دیگر، مسلمانان آلبانی تبار رومانی‌اند که بعد از جنگ جهانی اول از مناطق مختلف شبه جزیره‌ی بالکان به رومانی مهاجرت کرده‌اند. امروزه در حدود ۳۰۰۰ مسلمان آلبانی‌نژاد در رومانی زندگی می‌کنند که البته آنان نیز به تدریج جذب جمعیت مسلمانان ترک‌نژاد رومانی شده‌اند و از مساجد و قبرستان‌ها استفاده می‌کنند و آیین‌های مذهبی ترک‌ها را به اجرا در می‌آورند.^۴

یک اقلیت نژادی دیگر در رومانی، کولی‌ها هستند که تقریباً یک میلیون و نیم جمعیت دارند و تقریباً ده هزار تن از ایشان مسلمان‌اند و در دابروجا زندگی می‌کنند. ظاهراً ایشان در اوایل قرن شانزدهم میلادی و به همراه ارتش عثمانی به این منطقه وارد شده‌اند.^۵ کولی‌های مسلمان رومانی

۱. مصاحبه با آقای عثمان نبهات، پیشین.

۲. در قانون اساسی ۱۹۹۱ میلادی کشور رومانی ذکر شده است.

3. GEORGE GRIGORE, "Muslime in Romania", in *Regional Issues*, Nr.3 /1999, p.34.

۴. این آمار از بایگانی سازمان آمارگیری کشور رومانی گرفته شده است.

5. ANA OPRISAN & GEORGE GRIGORE, "The Muslim Gypsies In Romania", in *Regional Issues*, Nr.8/2001, P.32.

اسلام را با تمدن ترک‌ها یکی می‌دانند و تصویری که از اسلام برایشان وجود دارد، اسلام در ابعاد جهانی نیست. دیگر مسلمانان رومانی به این کولیها می‌گویند: "الله سبیز اینسان لار" یعنی انسان‌های بدون خدا؛ و معتقدند که آنها با وجود این که ادعا می‌کنند مسلمان‌اند، به اسلام عمل نمی‌کنند. کولی‌های مسلمان، هریک برای خود، نامی اسلامی و نامی مسیحی دارند و از هر دو، به اقتضای محیط و شرایط، استفاده می‌کنند. در مجموع، کولی‌ها مردمانی زیرک و باهوش‌اند و با دانستن زبان‌های مختلف هویت‌های مختلفی به خود می‌گیرند. آنان سابقاً چادرنشین بودند و زندگی کوچ‌نشینی داشتند و گذران زندگی‌شان از راه ساختن صنایع دستی و باربری بود، اما حکومت کمونیستی آنان را واداشت تا از کوچ دست‌بدارند و در یک‌جا ساکن گردند؛ به همین دلیل، زندگی و فرهنگ آنان امروزه تا حدّ زیادی دگرگون شده است.

بعد از انقلاب ۱۹۸۹ میلادی، جامعه‌ای دیگر از مسلمانان در شهرهای بزرگ رومانی شکل گرفت؛ اینان مسلمانانی از برخی کشورهای عربی مثل عراق، سوریه، اردن و فلسطین و یا برخی کشورهای غیر عربی مانند ایران‌اند که در جامعه رومانی برای خود اجتماع‌های کوچک‌تری تشکیل داده‌اند و حتی از مدارس، مساجد، قبرستان‌ها، مجلات و روزنامه‌های خاص خویش برخوردارند و چندان با دیگر مسلمانان رومانی یکی نشده‌اند. تنها شمار کمی از آنان شهروند رومانی شده‌اند که آن هم از طریق ازدواج با رومانیایی‌ها بوده است. اکثر ایشان بعد از مدتی به اروپای غربی مهاجرت می‌کنند و به همین دلیل، دادن آماری از آنان بسیار دشوار است و این امر خود شناخت نقش ایشان در فرهنگ رومانی را دشوار می‌سازد.

نگاهی به جامعه امروزی مسلمانان رومانی

اسلام و جمعیت مسلمان نقش مهمی در تاریخ رومانی و تحولات فرهنگی و تمدنی این منطقه داشته‌اند و اقلیت مسلمان امروزه جزئی مهم از جامعه رومانی محسوب می‌شود. اینان با حفظ دو عامل مهم، یعنی دین اسلام و زبان ترکی توانسته‌اند هویت خود را در میان اکثریت به خوبی حفظ کنند و امروز جامعه‌ای عزتمند در کشور رومانی‌اند.

1. Ibid, p. 32.

بعد از انقلاب ۱۹۸۹ میلادی، رژیم کمونیستی در رومانی از بین رفت و رژیم دموکراتیک جای آن را گرفت. قانون اساسی رومانی در ۱۹۹۱ میلادی دین اسلام را به عنوان بزرگ‌ترین دین غیر مسیحی کشور به رسمیت شناخت. از آن پس، احزاب سیاسی این اقلیت مورد پشتیبانی دولت قرار گرفتند و مدرسه‌های ترک زبان دوباره گشایش یافتند و حقوق اجتماعی مسلمانان به شکلی مطلوب رعایت شد و تسامح دولت رومانی نسبت به مذاهب مختلف، شامل حال این اقلیت نیز گردید.

اقلیت مسلمان رومانی خود را جزء کوچکی از دنیای بزرگ اسلام می‌دانند و به این امر افتخار می‌کنند؛ چنانکه هنگام سفر نگارنده در زمستان ۱۳۸۴ شمسی/۲۰۰۵ میلادی به دابروجا، آنان مانند دیگر مسلمانان جهان نسبت به چاپ کاریکاتورهای توهین‌آمیزی از پیامبر اسلام در برخی روزنامه‌های اروپایی معترض و خشمگین بودند، اگرچه اعتراض ایشان هرگز روی درگیری و خشونت به خود ننید. با وجود حفظ هویت اسلامی خود، خوشبختانه تاکنون در رومانی، بر خلاف برخی از دیگر مناطق بالکان، میان اقلیت مسلمان و مسیحیان کشمکش و درگیری نبوده است. مساجد مسلمانان نیز هرگز مورد تهدید و تجاوز قرار نگرفته‌اند؛ امروزه در رومانی هشتاد مسجد وجود دارد که از آنها تعداد ۷۰ مسجد فعال است و مابقی یا مخروبه گشته و یا به موزه تبدیل شده‌اند که هم بازگوی هویت تاریخی اقلیت مسلمان‌اند و هم جزئی از آثار تاریخی رومانی به شمار می‌روند.

نگارنده بعد از مصاحبه با نماینده‌ی اقلیت مسلمان در رومانی به این نتیجه رسید که از نظر حقوق بشر و پشتیبانی دولت، وضع اقلیت مسلمان از جهاتی حتی بهتر از اکثریت مسیحی است و دولت در موارد زیادی مسلمانان را حمایت می‌کند؛ چنانکه در جهت ایجاد حزب سیاسی، مدرسه، قبرستان، رسانه‌های گروهی مثل مجله و روزنامه و برگزاری برنامه‌های فرهنگی از پشتیبانی دولت برخوردارند. به رغم آن‌که در قوانین رومانی مذهب مبنای برخورداری از حق داشتن نماینده‌ی ویژه در مجلس نیست، و وجود نظام سیاسی لائیک در این کشور و نیز حق برخورداری هر نژاد و قوم از نماینده خاص خود در مجلس، امروزه نیز مسلمانان رومانی از داشتن نماینده ویژه‌ای در مجلس برخوردارند؛ چنانکه تاتارها و ترک‌ها نیز هر یک از حق داشتن یک نماینده برخوردارند. یک نماینده اقلیت نژادی با کسب حداقل ۴۰۰ رأی می‌تواند وارد مجلس شود، در حالی که یک رومانیایی

برای راه یافتن به مجلس باید حداقل ۴۰,۰۰۰ رأی کسب کند.^۱ برای کسب مقام ریاست جمهوری نیز از نظر قانونی هیچ نوع منعی برای نامزدی مسلمانان وجود ندارد.^۲

اقلیت مسلمانان رومانی با فعالیت در زمینه‌های علمی و فرهنگی مانند شعر، داستان و معماری، موجب غنای فرهنگ رومانی بوده‌اند و از طرفی با برخی آداب خود مانند درون همسری (عدم ازدواج با غیر مسلمانان) از انحلال خود در جامعه رومانی جلوگیری می‌کنند.

کتابشناسی

مقاله در مجله به زبان انگلیسی

1. GRIGORE, GEORGE, "Muslime in Romania", in **Regional Issues**, Nr. 3/1999
2. OPRISAN, ANA & GRIGORE, GEORGE, "The Muslim Gypsies in Romania", in **Regional Issues**, Nr. 8/2001

کتاب

منابع به زبان رومانی

اسناد چاپ نشده

1. Arhivele Naționale, București, **Fond Familia Regală, Dosar 25, An 1880**
اسناد ملی، بخارست، بخش فامیل شاه، پرونده ۲۵، ۱۸۸۰م
2. Arhivele Naționale, București, **Fond Statul, Dosar 34, An 1928**
اسناد ملی، بخارست، بخش حکومت، پرونده ۳۴، ۱۹۲۸م
3. Arhivele Naționale, București, **Fond Ministerul de Interne, Dosar 265, An 1878**
اسناد ملی، بخارست، بخش وزارت کشور، پرونده ۲۶۵، ۱۸۷۸م
4. Arhivele Naționale, Constanța, **Fond Școlile Primare Musulmane, Dosar 1-3, An 1960**
اسناد ملی، کنستانتزا، بخش مدرسه اولیه مسلمان، پرونده ۱ الی ۳، ۱۹۶۰م
5. Arhiva Ministerului Afacerilor Externe, **Fond Turcia, Volum 35, 36, 55**

۱. مصاحبه با آقای عثمان نیهات، پشین.

۲. طبق قانون اساسی کشور رومانی که در سال ۱۹۹۱ میلادی تأیید شده است.

آرشیو وزارت امور خارجی رومانی ، بخش ترکیه ، جلد ۳۵، ۳۶، ۵۵.

اسناد چاپ شده

1. **Arhivele Dobrogei**, Volum 1, Editura Culturală, București, 1921
اسناد دابروجا ، جلد ۱، انتشارات فرهنگ ملی ، بخارست ، ۱۹۲۱م
2. **Arhivele Dobrogei**, Volum 2, Editura Culturală, București, 1928
اسناد دابروجا ، جلد ۲ ، انتشارات فرهنگ ملی ، بخارست ، ۱۹۲۸م
3. **Arhivele Statistica României**, București, 2001
بایگانی سازمان آمارگیری کشور رومانی، بخارست، ۲۰۰۱ م

مقاله در مجله

1. **ARBORE, ALEXANDRU P.**, "*Caracterul etnografic al Dobrogei sudice*", în **Analele Dobrogei**, vol. II, Ed. Glasul Bucovinei, 1938
ارباره، الکسندرو، خصوصیات نژادی در دابروجا جنوبی، در اسناد دابروجا، جلد ۲، انتشارات سدای بوکاوینا، چرناوتی، ۱۹۳۸م
2. **BANU, CEZAR-AUREL**, "*Cutul musulman din România (1945 -1989)*", în **Dosarele Istoriei**, An. VIII, Nr. 9, Ed. Pro Historia, București, 2003
بانو، چزار اورل، دین اسلام در رومانی (۱۹۸۹-۱۹۴۵م)، در پدونده تاریخ، شماره ۹، انتشارات پروهیستاریا، بخارست، ۲۰۰۳م
3. **HELGIU, V.**, "*Școala primară în Dobrogea în curs de 40 ani (1879 - 1919)*", în **Analele Dobrogei**, nr. 1, Ed. Cultura Națională, București, 1920
هلجیو، وی، تدریس دبستان در دابروجا در ۴۰ سال (۱۹۱۹-۱۸۷۹م)، در اسناد دابروجا، شماره ۱، انتشارات فرهنگ ملی، بخارست، ۱۹۲۰م

مصاحبه

با آقای نیهات عثمان

مقاله در کتاب و کتاب

1. **CEACHIR, N.**, **Războiul pentru independența României în contextul european**, Ed. Științifică, București, 1977
چاگیر ن ، جنگ استقلال رومانی در چهارچوب اروپا ، انتشارات علمی ، بخارست ، ۱۹۷۷م
2. **EKREM, MEHMET ALI**, **Din istoria turcilor dobrogeni**, Ed. Kriterion, București, 1994

- اکرم محمد علی ، از تاریخ ترکها دابروجا ، انتشارات کریتریان ، بخارست ، ۱۹۹۴م
3. EKREM, MENLIBAY, **Originea tătarilor**, Ed. Kriterion, București, 1997
اکرم منلابای ، اصل تاتارها ، انتشارات کریتریان ، بخارست ، ۱۹۹۷م
4. GIURESCU, C. CONSTANTIN și GIURESCU, C. DINU, **Istoria românilor din cele mai vechi timpuri până astăzi**, Ed. Albatros, București, 1975
گیورسکو سی کانستنتین و گیورسکو سی دینو ، تاریخ رومانی ها از اول زمان تا امروز ، انتشارات الباتروس ، بخارست ، ۱۹۷۵م
5. HELGIU, V., **Școala română dobrogeană de la înființare până la 1938**, Constanța, 1938
هلجیو وی ، تدریس رومانی در دابروجا از ابتدا تا ۱۹۳۸م ، کانستانزا ، ۱۹۳۸م
6. MEHMET, MUSTAFA ALI, **Istoria turcilor**, Ed. Științifică, București, 1976
محمد مصطفی علی ، تاریخ ترکها ، انتشارات علمی ، بخارست ، ۱۹۷۶م
7. MEHEDINȚI, SIMION, **Observații asupra Dobrogei**, Editura Academiei Române, București, 1937
محدینتی سیمیان ، نگاه به دابروجا ، انتشارات اکادمیا رومانی ، بخارست ، ۱۹۳۷م
8. NAZARETTEAN, I. A., **Notițe istorice și geografice asupra provinciei Dobrogea**, Ed. Silbermann, Tulcea, 1882
نازارتان ی ای ، اسناد تاریخ و جغرافیا در استان دابروجا ، انتشارات پیلبرمن ، تولچا ، ۱۸۸۲م
9. SADOVEANU, MIHAI, **Pădurea lupilor**, Ed. Meridiane, București, 1974
میحایل ساداونو ، جنگل گرگ ها ، انتشارات مریدیان ، بخارست ، ۱۹۷۴م
10. STANCU, ZAHARIA, **Pădurea nebună**, Ed. Tineretului, București, 1966
زاهاریا استانکو ، جنگل انبوه ، انتشارات جوان ، بخارست ، ۱۹۶۶م

ضمیمه

- نقشه استان دابروجا
- نقشه سرزمین رومانی در قرن ۲۰م
- عکس از مسجد در رومانی